

خبرها

صدا و سیما

به انقلاب مشروطه می‌پردازد

به گزارش خبرگزاری مهر با توجه به تاکید مقام معظم رهبری بر بررسی ابعاد نهضت مشروطه و نقاط انحراف این نهضت از مسیر اصلی خود که همان عدالت خواهی است، برنامه‌ای را با عنوان «یادمان مشروطه» در ۵۲ قسمت ۱۰ دقیقه‌ای آماده پخش کرده است. این برنامه به بررسی زمینه‌های شکل گیری نهضت عدالت خواهی مردم و حرکت ضداستعمار و استبدادی مردم ایران در دوره قاجار می‌پردازد. بررسی نقش علما و مراجع تقلید در رهبری مردم در این نهضت، نقش ویژه شیخ فضل الله نوری در طرح مبحث مشروطه مشروعه و مداخلات انگلیس در انحراف این نهضت و بررسی نقش خیرات و روشنفکری و گروه‌های وابسته و بیگانه که این نهضت ضداستبدادی را به استبداد رضاخانی و پهلوی پیوند زد از مباحث مطرح شده در این برنامه هستند. در ضمن این برنامه اشاره‌ای نیز به قیام تنباکو، به توپ بسته شدن مجلس، نقش فراماسونرها در انحراف نهضت، قیام آزادپنخواهان و . . . دارد. آیتم‌های برنامه شامل تصویر، نریشن و کارشناسی است که در آن از نظرات کارشناسان مختلف از جمله میهمانان همایش یکصدمین سالگرد مشروطیت، نمایندگان ادواری مجلس، اساتید دانشگاه و اساتید تاریخ معاصر ایران بهره برده شده است. این برنامه به تهیه کنندگی و کارگردانی محمدمهدی انصاری جمعه شب ها ساعت ۲۱/۱۵ از شبکه خبر پخش خواهد شد.



ایران تئاتر : علیرضا سجادیپور معاونت فرهنگی و ارتباطات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در گفت وگو با ستاد خبری همایش «میراث معنوی، فتح و حماسه سبخ» اعلام کرد: «با توجه به این که مشروطیت اتفاق بزرگی در تاریخ کشورمان محسوب می‌شود، سازمان میراث فرهنگی برنامه‌های گسترده‌ای در این ارتباط تدارک دیده که اجرای نمایش نیز از جمله این برنامه هاست. «وی با اشاره به این که در این میان از تمام هنرها به شیوه‌ای جدید استفاده خواهد شد، خاطرنشان کرد: «در نظر داریم از شیوه‌های مدیر تئاتر خیابانی به منظور ارائه مفاهیمی نو بهره ببریم. در این راه به احتمال زیاد از شیوه نمایشی پرفرمسن نیز استفاده می‌کنیم تا حتی گردشگران خارجی نیز بتوانند مفاهیم مورد نظر ما را درک کنند.
»

دانشگاه آزاد اسلامی تبریز بررسی می‌کند:

مطالعه تطبیقی انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی

به گزارش خبرگزاری آنا، استاندار آذربایجان شرقی در دیدار با اعضای ستاد برگزاری همایش یکصدمین سالگرد صدور فرمان مشروطیت دانشگاه آزاد اسلامی تبریز که دو هفته پیش انجام شد گفت : آنچه که در طول تاریخ به عنوان تحولات ناب به دست آمده، نباید به بهانه اندیشه‌ها و منافع شخصی برخی افراد، مصادره مسائل سیاسی شود. مهندس «محمد معمارزاده» با اشاره به ضرورت و اهمیت توجه به واقعه مشروطیت افزود : با بررسی بیشتر جنبه‌های مختلف این موضوع می‌توان به نکات و تجربیات بکری در این واقعه دست یافت که برای آینده جامعه مفید واقع شود. وی به نقش اساسی و تعیین کننده آذربایجان در این خصوص اشاره کرد و اذعان داشت : آذربایجان همواره خاستگاه اندیشه‌ها و تحولات اندیشه‌ای و فرهنگی در کشور بوده است.

وی افزود : آذربایجان نخستین منطقه در کشور بود که با کشورهای اروپایی ارتباط علمی و سیاسی پیدا کرد و این موقعیت همواره موجب پیشرفت کشور شده است. استاندار آذربایجان شرقی اظهار داشت : یکی از ویژگی‌های انقلاب مشروطه حضور دین در آن بود که متسافانه تاکنون کمتر به این مسئله پرداخته شده است. وی ادامه داد : روحانیونی که در آن زمان بانیان این امر بودند به دنبال ایجاد نقش اساسی دین در واقعه مشروطیت بودند. وی همچنین به نقش انقلاب مشروطه در شکل گیری انقلاب اسلامی ایران اشاره کرد و افزود : در زمان انقلاب و در تبیین قانون اساسی موضوع مشروعه با توجه به تجربیاتی که از انقلاب مشروطه به دست آمده بود، مدنظر قرار گرفت.

وی در پایان به برگزاری جلسه‌ای مشترک با حضور تمامی مسئولان سازمان‌ها و ارگان‌های ذی ربط در این استان، برای برپایی رپورتاژ این آیین تاکید کرد. رئیس دانشگاه آزاد اسلامی تبریز نیز در این دیدار گفت : انقلاب اسلامی ایران دنباله مشروطه مشروعه بود. دکتر «عزیز قوچانپور» تصریح کرد : در برگزاری این همایش سعی خواهد شد تا مشروطه مشروعه، خاستگاه فکری– سیاسی نهضت مشروطیت، مطالعه تطبیقی انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی، آسیب شناسی نهضت مشروطیت و نقش آذربایجان در این نهضت به عنوان محوره‌ای اصلی این همایش مورد توجه قرار گیرد.

ارتباط با صفحه مشروطه

سایت WWW.100years.ir

پست الکترونیک info@100years.ir

ارسال مقالات article@100years.ir



گزارش سال ۱۳۲۱

ایرانیان این سال را با قحطی و کمبود موادغذایی آغاز کردند. دولت دستور داد روز دهم فروردین ماه، هیچ‌کس حق بیرون رفتن از خانه‌ها ندارد تا سه هزار مامور دولت، با مراجعه به منازل مردم، کوپن خواروبار و ارزاق عمومی را به تعداد نفرات تقسیم کنند. دولت همچنین لایحه انتشار ۷۰۰ میلیون ریال اسکناس بدون پشتوانه را به مجلس برد تا بخشی از این پول را در اختیار نیروهای اشغالگر روسی، آمریکایی و انگلیسی مستقر در ایران برای تأمین نیازهایشان بگذارد. بر اثر گرانی و قحطی، کارکنان خطوط اتوبوسرانی تهران اعتصاب کردند تا نخ کرایه که برای هر نفر ده‌شاهی بود، افزایش یابد. نانوای‌ها هم به دلیل کمبودآرد، مواد افزودنی دیگری به نان‌ها می‌زدند که نان تهران را بدبزه و آلوده می‌کرد. گروهی از لهستانی‌هایی هم که در خاک شوروی می‌زیستند، بر اثر حمله آلمان به شوروی، از مرز عبور کرده، به تهران آمدند! گل بود به سبزه نیز آراسته شد! دولت در آغاز آبان را در بیرون دروازه دوشان‌تپه و سپس در باغ منظره، به جای داد.

در آخرین ماه بهار، نان نیز در سراسر کشور جیره‌بندی شد. همچنین سیگاری‌ها، روزانه دو نخ و نیم سهمیه سیگار داشتند! و نیز ارمنیانی دیگر از جنگ، میهمان ناخوانده ایرانیان شد: بیماری کشنده تیفوس! در حالی که روزانه صدها نفر در تهران بر اثر بیماری همه گری تیفوس جان می‌باختند، دولت به بیمارستان‌ها و پزشکان دستور داد تا آدرس بیماران تیفوسی را به دولت بدهند. از زمین و آسمان برای مردم درمنده ایران بلا و مصیبت می‌بارید و آن شاه خودکامه گریخته، پاسخی برای این پرسش تاریخی نداشت که آن همه مدرنیسم شتابزده و هزینه‌های هنگفت نظامیان و ارتش نوین و آن همه رُست‌های تجددگرایانه، چه شد و کج‌رفت؟ اکنون سرزمین ویرانه اشغال‌شده‌ای که مردمانش از گرسنگی و بیماری در آستانه مرگ و فروپاشی بودند، برجای مانده بود و از آن همه نمایش و ستایش و به‌به و چه‌چه، هیچ خبری نبود!

دستگاه دولت نیز زیر فشار بیگانگان اشغالگری که هر لحظه اوامری داشتند و نیازهایی، راهی جز این نداشت که کج‌دار و مریز و لنگان‌لنگان در این آشفته بازار بکوشد تا چرخ دستگاه سیاسی و اداری کشور را به گردش درآورد. ابتدا ادراری به نام «نظارت خواروبار» زیرنظر نخست‌وزیر تشکیل شد که چون کاری از پیش نبرد، به «وزارت خواروبار» تبدیل شد و مهدی فرخ– معصم السلطنه– وزیر آن شد. آتش جنگ جهانی دوم، همچنان شعله‌ور بود. ژاپن سرسختانه مقاومت می‌کرد و ایران که با امضای پیمان سه‌جانبه، به نیروهای متفقین پیوسته بود، با آن کشور قطع رابطه سیاسی کرد و ضمن فراخواندن سفیر خود از ژاپن، به هیات دیپلماتیک ژاپنی‌ها در تهران نیز هشدار داد که هر چه زودتر خاک ایران را ترک کنند. دولت ایران همچنین روابط سیاسی خود با فرانسه اشغال شده را قطع کرد و با «کمیته فرانسه آزاد» روابط سیاسی برقرار کرد. دیپلماسی جنگی در ایران فعال و تهران، مرکز رفت و آمدهای سیاسی شده بود. در خردهامه دوک اف گلوستر

حسین میرزایی:

دولت انگلستان پس از آنکه علمای ناراضی از

بی‌اعتنائی

حکومت مظفرالدین‌شاه نسبت به تأسیس عدالتخانه در جمادی‌الاول سال ۱۳۲۴ قمری تهران را به قصد عتبات ترک کردند، درهای سفارت خود را به روی مردم تهران گشود تا و مخالفان حکومت در باغ وسیع سفارت بست بنشینند و مطالبات خود را از حکومت طلب کنند. این مطالبات در ابتدا حول محور بازگشت علما و تشکیل عدالتخانه سامان یافته بود. ده روز پس از آغاز بست‌نشینی اما، مطالبات بست‌نشینان سفارت تغییر یافت و تأسیس دارالشوری (مجلس) جای عدالتخانه را گرفت.

در این فاصله ده‌روزه در این مدت کوتاه بست‌نشینی در سفارت چه روی داد که ناگهان فصل تازه حیات سیاسی اجتماعی جامعه ایران تحت عنوان مشروطیت رقم خورد؟ توطئه سفارت انگلستان برای انحراف جنبش عدالتخواهی؟ توطئه نوگرایان برای به انحراف کشیدن این جنبش؟ هر دو؟ یا هیچ کدام؟ پیش از مهاجرت علما به عتبات در بیست و سوم جمادی‌الاول سیدعبدالله بهبهانی با ارسال نامه‌ای محرمانه به سفارت انگلیس خواستار حمایت آنها از جنبش شد. همچنین به تاجر معتبر تهران خبر داد که «اجزای سفارتخانه (انگلیس) به من وعده همراهی داده‌اند، هرگاه پس از من معترض شما بشند به آنها متوسل شوم و به آن مکان متمعن و ملتیجی شوم.» چنین بود که پس از مهاجرت علما در شب بیست و سوم جمادی‌الاول نخستین گروه بازرگانان شامل نر فر به سفارت انگلیس پناه بردند. فردای آن روز این خبر در شهر پخش شد که سفارت انگلیس به عموم مردم اجازه اقامت در سفارت می‌دهد. تهرانیان دسته‌دسته، در قالب اصناف مختلف به سفارت رهسپار می‌شدند. تاجر، کسبه بازار، صنعتگران، طلاب مدارس مذهبی، محصلین دارالفنون و . . . تا پایان تحصن بیست‌وپنج‌روزه قریب چهارده تا بیست هزار نفر در سفارت متمعن بودند. گزارش ناظم‌الاسلام از وقایع بست‌نشینی نشان می‌دهد که در حین افزایش شمار متمعنین کاردار سفارت انگلیس از وزارت خارجه ایران خواسته است که در تخصص اقتشار عادی در سفارت جلوگیری کند، اما وزیر خارجه مشیرالدوله، که به عزل عین‌الدوله از صدارت می‌بیل

ایران در اشغال بیگانه



برادر ژرژ ششم پادشاه انگلستان– به تهران آمد و در مردامه‌ها، ویستون چرچیل نخست‌وزیر کهنه کار انگلستان وارد تهران شد. ماه بعد نیز ویندل ویلکی نماینده ویژه روزولت رئیس‌جمهور آمریکا راهی تهران شد.

دکتر میلسپو و مستشاران آمریکایی نیز که دوباره برای ریاست کل دارایی ایران، به تصویب مجلس استخدام دولت ایران شده بودند، در بهمن‌ماه وارد تهران شدند.

بر اثر فشار افکار عمومی و مطبوعات، کار رضاشاه‌زدایی نیز همچنان در جریان بود. پزشک‌احمدی که نام وی لرنه بر اندام زنداندنیان سیاسی دوره دیکتاتوری می‌انداخت، در عراق دستگیر و به دولت ایران تحویل داده شد. قرار بازداشت فتح‌الله پاکروان استاندار پیشین خراسان و

نایب‌التولیه آستان قدس رضوی، که در زمان وی قیام مسجد گوهرشاد به خون نشست، از سوی بازپرس دیوان کیفری صادر شد. کشته شدن سیدحسن مدرس در کاشمر نیز در دوره استانداری وی اتفاق افتاده بود. سرهنگ نیرومند رئیس پیشین زندان مرکزی نیز به اتهام آزار و شکنجه زندانیان، بازداشت شد. این افراد به اضافه عده زیادی از مامورین اداره آگاهی و پلیس سیاسی در مردامه محاکمه شدند. ریاست دادگاه‌با موسوی‌زاده یزدی و دادستان دادگاه، دکتر جلال عبده بود. این محاکمات که ۵۰ روز به درازا کشید، یکی از جنجالی‌ترین محاکمات تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید. زندانیان سیاسی و غیرسیاسی، خانواده‌های شهیدان سیاسی و مطبوعات و رسانه‌ها، لحظه به لحظه دادگاه را زیرنظر داشتند. هر چند که هیچ‌کس به‌طور آشکار از متهمان و کردار آنان در دوره دیکتاتوری دفاع نمی‌کرد، و اما دست‌هایی پنهان می‌کوشیدند تا متهمان را تبرئه و با محکومیت‌شان را سبک‌تر کنند. نگارنده این سطور افتخار

صد روز تا صدمین سال انقلاب مشروطه ■ شماره ۳۶

مشروطه

بیکاری سردادند. رفته‌رفته تعداد شورشیان بیشتر شد و جمعیت به صحنٔ مجلس هجوم بردند و تعدادی از نمایندگان را به باد تکت و تاسار گرفتند. سپس ائامیه مجلس نیز مورد هجوم و غارت شورشیان قرار گرفت. تابلوهای نفیس و اشیای قیمتی مجلس به تاراج رفت. بازار تهران نیز هر چند تعطیل شد اما از غارت و دستبرد گرسنگان– و یا محرکین سیاسی آنان– در امان نماند. گروهی از شورشیان، به چپاول مغازه‌های خیابان‌های نادری، شاه‌آباد، اسلامپول و لاله‌زار پرداختند. تهران از حالت عادی خارج شد و نیروهای پلیس نیز نتوانستند از رفتار شورشیان جلوگیری کنند. برخی از شورشیان به سوی خانه‌نخست‌وزیر رفتند و خانه او را به آتش کشیدند و اثاثیه‌اش را غارت کردند. ناگفته نگذاریم که قوام‌السلطنه، این شورش را نتیجه‌دسیسه‌چینی دربار علیه خود می‌دانست. وی در همان روز فرماندار نظامی و رئیس شهرییانی را از کار برکنار کرد و سپهد امیراحمدی را با اختیارات کامل به فرماندهی نظامی تهران و فرماندهی سپاه مرکز منصوب کرد. سپهد در ساعات بعدازظهر و هنگامی که بلوا به اوج خود رسیده بود، دستور تیراندازی به سوی شورشیان را صادر کرد. عده زیادی در این تیراندازی‌ها کشته و زخمی شدند و آشوب فروکش کرد. قوام‌السلطنه در آن روز نت تنها دستور شلیک به سوی شورشیان، بلکه فرمان مرگ مطبوعات را نیز صادر کرد. به دستور قوام، همه روزنامه‌ها و مجلات و نشریات کشور توقیف شدند. وی سپس در پناه عده ۵۵ قاتنون حکومت‌نظامی، دست به بازداشت روزنامه‌نگاران و سیاسپون مخالف زمامداری خود زد و به کسبه تهران اخطار کرد که هر چه زودتر مغازه‌های خود را باز کنند.

قوام‌السلطنه سپس لایحه‌ای را به مجلس رد که به موجب آن، امتیاز کلیه روزنامه‌ها و مجلات لغو شده، شرایط تازه‌ای برای نویسندگان مدیران جراید کشور، همراه با پیش‌بینی مجازات، تعیین شده بود. هرچند که این لایحه به تصویب مجلس رسید، اما عمر دولت قوام، به پایان این سال نرسید. وی در بهمن‌ماه، به دنبال درگیری و مشاجره تندی که بین او و برخی از نمایندگان روی داد، از کار کناره‌گیری کرد و دوباره علی سهیلی با رای تمایل مجلس به کرسی صدارت نشست. روز از نو، روزی از نو! در غیاب دیکتاتور، باز هم عمر کارگاه کوتاه بود!

در این سال روزنامه کیهان به صاحب‌امتیازی و مدیریت دکتر مصطفی مصباح‌زاده و سردبیری عبدالرحمن فرامرزی به خانواده مطبوعات کشور پیوست. دولت قوام نیز روزنامه‌ای دولتی به نام «اخبار روز» به مدیریت حسین قلی‌متعان چاپ و منتشر کرد، که با سقوط دولت قوام، آن روزنامه نیز ساقط شد!

نخستین شماره روزنامه تندرو و بدبزان «هبر» ارگان تازه حزب توده نیز در بهمن‌ماه این سال منتشر شد. در ماه پایانی این سال به دستور شورای عالی فرهنگ، امتیاز ۳۵ روزنامه که به دستور قوام توقیف و تعطیل شده بودند، دوباره اجازه انتشار یافتند. و نیز بنا به پیشنهاد کمیته مرکزی حزب توده و موافقت مجمع عمومی آن حزب، عباس اسکندری به ریاست کل حزب توده برگزیده شد.

بست‌نشینان را ترسیم می‌کند:

۲۸ جمادی‌الاول ۱۳۲۴ ق: «سفارتخانه در حکم یک مدرسه شده است، چه در زیر هر چادر و هر گوشه جمعی دور هم نشسته‌اند و یک نفر عالم سیاسی از شاگردان مدارس و غیره آنها را تعلیم می‌دهد. یعنی چیزهای تازه به گوش می‌خورد که تاکنون احدی جرات نداشت بر زبان آورد.»

همان روز (۲۸ جمادی‌الاول ۱۳۲۴ ق): «بعضی از اجزای انجمن روزنامه حبل‌المعین را در دست گرفته

بر مردم قرائت می‌نمایند.»

۵ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ ق: «امروز تلگرافی (به عنوان پیام پادشاه انگلستان)در بین مردم افتاده. . . گر چه ماخذ این تلگراف معلوم نیست بلکه از مضامین آن آثار جمادی‌الثانی نیز همین سه خواسته به علاوه بازپرداخت مبلغ برات‌های دولتی، از سوی تجار متمعنص، به عنوان مطالبات عموم بست‌نشینان سفارت تکرار شد. بدین ترتیب تا روز چهارم جمادی‌الثانی، ده روز پس از آغاز بست‌نشینی سفارت سخنی به جز تکرار خواسته‌های علما در جنبش عدالتخواهی، میان بست‌نشینان نیست. از این روز تمایل احتمالی دولت انگلستان نسبت به برآورده شدن مطالبات بست‌نشینان که در پاسخ وزیر خارجه به تاریخ یکم یا سوم جمادی‌الاول نمود یافته است ناگزیر می‌بایست ناظر بر این مطالبات بوده باشد.

۱۶ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ ق: «اهل طهران در این ایام تحصن سفارتخانه به حدی بیدار شده و پا به دایره تمدن و حقوق گذارده‌اند)که در مدت ده سال این قسم ممکن نبود. اشخاصی که در خارجه تربیت شده‌اند و سال‌ها آرزوی این ایام را می‌بردند پس در روز در کار بیاداری مردم می‌باشند.»

ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ‌یداری ایرانیان)

جنبش مشروطه سبب شد که نوگرایان و طبقه متوسط جدید بی‌واسطه و رودررو در یک جنبش عمومی در کنار طبقه متوسط ستنی و عامه مردم فراگیرند و برای نخستین بار ارتباطی سازنده میان آنها پدید آید. دانش‌آموختگان فرهنگ، فارغ‌التحصیلان دارالفنون، این اجزای طبقه متوسط جدید، این موجودات بیگانه با ملت، به موجوداتی قابل فهم تبدیل شدند، جایگاه گروه مرجع مردم را به دست آوردند و توانستند عناصر بنیادی مشروطیت را به مردم بیاورزند. مشروطیت این سان نه حاصل توطئه انگلستان، بلکه ثمره فرصتی است که طبقه نوگرا برای هشیختنی با توده مردم و علمای ضدحکومت به دست آورد.

سال سوم ■ شماره ۷۹۴ شوق

نگاه

مردم تاریخ بخوانید

ح. اسیر : در اولین روزهای پس از پیروزی انقلاب کسانی که همه‌روژه به دانشگاه تهران می‌رفتند، غالباً جوان دانشجوی ریزنشی را می‌دیدند که از نرده‌های دیوارهای دانشگاه مشرف به خیابان انقلاب نزدیک در اصلی بالا می‌رفت و در حالی که با یک دست خود نرده آهنی را گرفته بود که نینفت، مردم را ترغیب به رفتن به خانه‌ها و نشستن و مطالعه تاریخ ایران، تاریخ انقلاب‌ها و فلسفه می‌کرد. جوان دانشجو اقتدر پرشور و هیجان حرف می‌زد و با توجه به اینکه دستی به نرده‌ها داشت، فشاری به سایر اعضای بدنش وارد می‌شد به طوری که صورتش تغییر رنگ داده و رفته‌رفته قرمزتر و رگ‌های گردنش برجسته‌تر می‌شد. مردم آنجا می‌ایستادند چند دقیقه‌ای به حرف‌های جوان گوش می‌دادند و بعد خنده‌کنان راهشان را می‌کشیدند و می‌رفتند که در یحی با مجادله‌ای شرکت کنند. من چند روزی آن جوان را در اسفند ۱۳۵۷ دیدم تا اینکه خیلی چیزها تغییر کرد و آن جوان هم دیگر پدایش نشد و من هم به شهر خود بازگشتم.

آیا او می‌خواست مردم را از صحنه دور کرده به خانه‌ها بکشانند تا آلتور که آن روزها می‌گفتند و شمار می‌دادند فرصت برای ضدانقلاب در کمین نشسته فراهم آید و یا ایده‌آلیستی بود رمانتیک که به آنچه می‌گفت اعتقاد داشت است هنوز با گذشت یکصدسال از آغاز آن به آم‌آج‌ها و اهداف و راهکارهای آن به بار نمی‌نشیند و ثمر نخواهد داد و اینها همه از خواندن و دانستن آغاز می‌شود. اینک ما به یکصدمین سال‌روز جنبش مشروطه که نمی‌دانم چرا آن را انقلاب می‌نامند نزدیک می‌شویم و در غالب بررسی‌ها و تحقیق‌ها می‌خوایم که جنبش مشروطه متأسفانه نتوانسته است هنوز با گذشت یکصدسال از آغاز آن به آم‌آج‌ها و آرمان‌هایش چون آزادی، حاکمیت قانون، عدالت و دموکراسی دست یابد. اما آیا شده است از خود بیرسیم مردمی که در جنبش مشروطه شرکت داشتند حتی رهبران این جنبش‌ای می‌دانستند چه می‌خواهند و آیا دریافته بودند با کدام نظریه پیش بروند و از کدام روش‌ها و راهکارها استفاده نمایند و اینها را هیچ‌گاه تدوین کرده بودند؟ شاید یکصدمین سال‌روز جنبش مشروطه بتواند به ما یادآور گردد آن جوان دانشجوی رمانتیک حق داشت اگر مردم را به خواندن تاریخ و فلسفه فرا می‌خواند.

* از گیلان

تقویم

شش‌نامه از شش راه

حسن مرسل‌وند : شادروان طباطبایی چون از نامه‌نگاری با عین‌الدوله خبری ندید و پاسخ درستی نگرفت، با توجه به اینکه شاه از دیداری که پس از بازگشت پیروزمندانه از حضرت عبدالعظیم(ع) داشتند، با گلايه گفته بود آقایان چنانچه از این پس سخنی نداشتند مستقیم به خود من بگویند، نامه‌ای خطاب به خود شاه نوشت که بخشی از آن نامه طولانی چنین است: «...

این امین طرق را بر دعاگویان سد نموده‌اند [عین‌الدوله به بهانه بیماری شتی شاه‌زادگان را هم اجازه بارباری نمی‌داد] عرایض دعاگویان را نمی‌گذارند به حضور مبارک مشرف شون، با این حال اگر مطلبی را بر اعلیحضرت مشنبه کرده باشند، چگونه رفع اشتباه کنیم؟ [عین‌الدوله با دادن گزارش‌های دروغین، شاه بیمار را از مشروطه‌خواهان می‌ترساند]. محض پیشرفت مقاصدشان دعاگویان را بدخواه دولت و شخص همایونی قلم داده خاطر مبارک را منوش نموده‌اند، تا اگر مفاسد اعمال‌شان را عرض کنیم، مقبول نیفتد. . . اعلیحضرتا مملکت خراب، رعیت پریشان و گدا، دست تعدی حکام و مامورین بر مال و عرض و جان رعیت، دراز. از مال رعیت هر قدر میلشان اقتضا کند، می‌برند. قوه غضب و شهوتشان به هر چه میل و حکم کند، از زدن و کشتن و ناقص کردن اطاعت می‌کنند. این عمارت و میل‌ها و وجوهات و املاک، در اندک زمان از کجا تحصیل شده؟ تمام مال رعیت بیچاره است. این ثروت همان فقرای بی‌مکت‌اند که اعلیحضرت بر حالشان مطلقه. در اندک زمان از مال رعیت صاحب مکت و ثروت شدند. پارسال دخترهای قوچانی را در عوض سه ری گندم مالیات که نداشتند بدهند، گرفته به ترکمان‌ها و ارمنه عشق‌آباد به قیمت گزاف فروختند. ده هزار رعیت قوچانی از ظلم به خاک روس فرار کردند. هزاره‌ها رعیت ایران از ظلم حکام و مامورین به ممالک ترکمن، به جرمی و فعلگی گذران می‌کنند. . . اعلیحضرتا شایده در ذلت و خواری می‌میزد. بیان حال این مردم را از ظلم و ظلمه، به این مختصر عریضه ممکن نیست. تمام این قضایا را از اعلیحضرت مخفی می‌کنند. . . اعلیحضرتا تمام این مفاسد را مجلس عدالت یعنی انجمنی مرکب از تمام اصناف مردم که در آن انجمن در عه عامه مردم مرکب، شام و گدا در آن مساوی باشند آنگبریم که شادروان، طباطبایی چگونه «عدالتخانه» را به «مجلس عدالت» تبدیل کرده‌است[. . .]. فواید این مجلس را اعلیحضرت همایونی بهتر از همه می‌دانند. . . مجلس اگر باشد این ظلم‌ها رفع خواهد شد، خرابی‌ها آید و خیاست‌ها و بدبختی‌ها مملکت نخواهد کرد، مسخران و بلوچستان را انگلیس نخواهد برد، فلان محل را روس نخواهد برد، انجمنی تعدی به ایران نمی‌تواند بکند. . . در زاویه حضرت عبدالعظیم سی روز با کمال سختی گذرانیدم تا دستخط جاب‌آوردیم و به شکرانه مرحمت گزارغانی کرده جشن بزرگی گرفته شد، به انتظار انجام مضمون دستخط مبارک روز می‌گذرانیم، اثری ظاهر نشد. همه را به طفره گذرانیده بلکه صریحاً می‌گویند این کار نخواهد شد و تأسیس مجلس متنافی سلطنت است. نمی‌دانند سلطنت صحیح بی‌زوال با بودن مجلس است. . .

شادروان طباطبایی این نامه را در شش نسخه و از شش راه مختلف برای شاه فرستاد، تا باشد که یکی از این نسخه‌ها به دست شاه برسد!



صد نکته